

Validation of Historical Documents and its Role in Developing Critical Thinking in History Students; A Case Study: Analysis of a Document on the Forced Sedentarization of Nomads in Lorestan (1927)

F. Mohammad Ali Nemati^{*1}, Naser Sadeghi², Fazlollah Fouladipour³

1- Visiting Lecturer, Farhangian University, Allameh Tabatabaeei Campus, Khorramabad, Iran.

2- Master of Science in History of Islamic Iran, Secretary of Education, Khorramabad.

3 -Assistant Professor, Farhangian University, Khorramabad, Iran.

ABSTRACT

Keywords:

Document criticism. Critical thinking. Internal criticism. External criticism. Settlement of the nomads of Lorestan.

1 .Corresponding author



m.a.nemati1365@gmail.com

Background and Objectives: This article aims to explain the role of historical documents in developing critical thinking skills in history students, focusing on a sample document concerning the forced sedentarization (Qapo) of nomads in Lorestan (1927). Historical documents, as primary sources while possessing authenticity, are always subject to distortion and manipulation during their compilation by bureaucratic elites. **Methods:** Therefore, the analysis of documents through two methods—external criticism (physical authenticity and historical context) and internal criticism (textual analysis and author motivations)—is essential. In this research, a document from the early Pahlavi period about the forced sedentarization of nomads in Lorestan was analyzed as a case study using these methods. **Findings:** The results indicate that teaching this process not only helps students evaluate historical sources more accurately but also strengthens their critical thinking skills, including analysis, inferential reasoning, and questioning. **Conclusion:** The article concludes that incorporating the methodical teaching of document criticism into the history curriculum is a fundamental step in training future historians and enhancing the quality of historical research.

ISSN (Online): 2783-2155

DOI: <https://doi.org/10.48310/rhe.2026.22724.1195>

Received: 1404-12-12 Reviewed: 1404-01-20 Accepted: 1404-03-07 PP: 25-42

Citation (APA): Nemati, M.A, Sadeghi, N and Fouladipour, N. (2026). Validation of Historical Documents and its Role in Developing Critical Thinking in History Students; A Case Study: Analysis of a Document on the Forced Sedentarization of Nomads in Lorestan (1927). *The Journal of Research in History Education*, 9(30), 25-42.



<https://doi.org/10.48310/rhe.2026.22724.1195>

اعتبارسنجی اسناد تاریخی و نقش آن در پرورش تفکر انتقادی دانشجویان تاریخ؛ نمونه موردی: بررسی سندی از تخته‌قاپوی عشایر

لرستان (۱۳۰۶ ش.)

محمدعلی نعمتی*^۱، ناصر صادقی^۲، فضل‌الله فولادی‌پور^۳

۱. مدرس مدعو دانشگاه فرهنگیان، پردیس علامه طباطبایی خرم‌آباد، ایران.

۲. کارشناس ارشد تاریخ ایران اسلامی، دبیرآموزش و پرورش خرم‌آباد.

۳. استادیار دانشگاه فرهنگیان، خرم‌آباد، ایران.

چکیده

پیشینه و اهداف: این مقاله با هدف تبیین نقش اعتبارسنجی اسناد تاریخی در پرورش تفکر انتقادی دانشجویان تاریخ و با تمرکز بر نمونه‌ای از اسناد تخته‌قاپوی عشایر لرستان (۱۳۰۶ ش.) تدوین شده است. اسناد تاریخی به‌عنوان منابع دست‌اول، با وجود برخورداری از اصالت، به دلیل تنظیم توسط نخبگان دیوانی، همواره در معرض تحریف و سوگیری هستند. روش‌ها: از این رو، نقد علمی اسناد از طریق دو روش نقد بیرونی (بررسی اصالت فیزیکی و زمینه تاریخی) و نقد درونی (تحلیل محتوا و انگیزه‌های نویسنده) ضروری است. در این پژوهش، سندی از دوره پهلوی اول درباره تخته‌قاپوی عشایر لرستان به‌عنوان نمونه موردی، با بهره‌گیری از این روش‌ها تحلیل شد. یافته‌ها: یافته‌ها نشان می‌دهد که آموزش این فرآیند نه تنها به دانشجویان در ارزیابی دقیق‌تر منابع تاریخی کمک می‌کند، بلکه مهارت‌های تفکر انتقادی از جمله تجزیه و تحلیل، استدلال استنتاجی و پرسشگری را در آنان تقویت می‌نماید. نتیجه‌گیری: این مقاله با تحلیل یک سند تاریخی، الگویی عملی از نقد بیرونی و درونی ارائه می‌دهد که می‌تواند به عنوان یک ابزار آموزشی در کلاس‌های درس تاریخ مورد استفاده اساتید قرار گیرد.

واژه‌های کلیدی:

سند، تفکر انتقادی، نقد درونی، نقد بیرونی.

۱. نویسنده مسئول

m.a.nemati1365@gmail.com



تاریخ دریافت: ۱۲-۱۲-۱۴۰۴

تاریخ بازنگری: ۲۰-۰۱-۱۴۰۴

تاریخ پذیرش: ۰۷-۰۳-۱۴۰۴

شماره صفحات: ۴۲-۲۵

مقدمه

اسناد تاریخی، به‌عنوان منابع دست اول و ملموس گذشته، پایه و اساس پژوهش‌های تاریخی معتبر را تشکیل می‌دهند. با این حال، این اسناد، صرفاً به دلیل قدمت و اصالت، بازتاب دهنده حقیقت محض نیستند؛ زیرا محصول زمینه تاریخی، انگیزه‌ها، دیدگاه‌ها و محدودیت‌های نویسندگان خود هستند. بنابراین، استفاده از اسناد بدون رویکرد انتقادی موجب بازتولید روایت‌های جانبدارانه و تحریف‌شده می‌شود. رویکردهای معاصر در تاریخ‌نگاری، بر این نظرند که اکثر اسناد رسمی و دولتی تولید شده در این دوره تاریخ ایران (مانند گزارش‌های دولتی، مکاتبات اداری، آمارها) غالباً روایتگر نهادهای حکومتی هستند و نظرات آنان را بازتاب می‌دهند و صداهای فرودستان، عشایر، زنان و گروه‌های حاشیه‌ای مورد توجه قرار نمی‌گیرد و صدای آنان در هیچ کجا منعکس نمی‌شود. در چنین شرایطی، نقد سند اهمیتی دوچندان می‌یابد.

از طریق نقد بیرونی و درونی می‌توان لایه‌های پنهان متن را استخراج نمود، نقش مجریان دولتی را در این امر آشکار ساخت و حتی کاستی‌های سند را به‌عنوان شواهدی از سانسور یا فراموشی‌سازی تاریخی تفسیر کرد. به‌عنوان نمونه، سند «تخته‌قاپوی^۱ عشایر لرستان در سال ۱۳۰۶» نه فقط یک برگ کاغذ اداری، بلکه میدان نبرد روایت‌هاست: از یک سو روایت دولت مرکزی از چگونگی اسکان عشایر لرستان و روش‌های گوناگون در این راه است و از سوی دیگر نشان دهنده رنج عشایر و خاموشی صدای آنان در این مرحله مهم از حیاتشان است. در این میان، پژوهشگر تاریخ (مورخ) نه تنها انتقال دهنده رویدادهای گذشته است، بلکه می‌بایست نگرشی علمی و نقادانه در مواجهه با منابع از جمله اسناد را پرورش دهد.

تفکر انتقادی به‌عنوان یک مهارت ویژه به دانشجویان می‌آموزد که چگونه به جای پذیرش منفعلانه، به ارزیابی فعال شواهد، تحلیل مفاهیم و استنتاج منطقی بپردازند. این مقاله بر آن است تا با تبیین پیوند میان اعتبارسنجی اسناد تاریخی و پرورش تفکر انتقادی، ضرورت آموزش روش‌مند نقد اسناد را در رشته تاریخ نشان دهد تا از این طریق به بازسازی روایت‌های مغفول بپردازد. پرسش اصلی این است که چگونه می‌توان با به‌کارگیری اصول نقد بیرونی و درونی اسناد، مهارت‌های تفکر انتقادی را در دانشجویان تاریخ تقویت کرد؟ برای پاسخ به این پرسش، پس از مروری نظری بر مفاهیم کلیدی مانند سند، نقد و تفکر انتقادی، یک سند مربوط به "تخته‌قاپوی عشایر لرستان در سال ۱۳۰۶ ش." به‌عنوان نمونه موردی، با روش نقد بیرونی (بررسی اصالت فیزیکی، تاریخ‌گذاری و زمینه) و نقد درونی (تحلیل محتوا، انگیزه نویسنده و تطبیق با دیگر منابع) تحلیل خواهد شد.

۱. تخته‌قاپو یعنی اسکان عشایر، سکنی دادن عشایر و طوایف صحرائشین در شهر یا ده به صورت اجباری.

پیشینه پژوهش

پژوهشگران در مورد نقد منابع تاریخی، انواع نقد، استفاده از نقد تاریخی و تفکر انتقادی، تحقیقات مختلفی در قالب کتاب و مقاله به رشته تحریر درآورده‌اند. این آثار هر کدام از دیدگاه خود موضوع نقد را بررسی و تبیین کرده و اهمیت آن را در پژوهش‌های تاریخی نشان داده‌اند. شارل ساماران در کتاب «روش‌های پژوهش در تاریخ» (1996) در مورد نقد و فواید آن در تاریخ نکاتی را ارائه کرده است. علیرضا مولایی توانی در کتاب «درآمدی بر روش پژوهش در تاریخ» (2007) در چندین صفحه به نقش ضروری نقد در پژوهش‌های تاریخی و همچنین به بررسی نقد درونی و بیرونی پرداخته است.

ثواب نیز در «روش تحقیق با تاکید بر تاریخ» (2006) در مطالبی کوتاه به بررسی نقد درونی و بیرونی پرداخته است. مقالات مختلفی نیز در مورد نقد به رشته تحریر درآمده است، به عنوان مثال: فریبرز درودی در مقاله «درآمدی بر انواع نقد و کارکردهای آن» (2014) انواع نقد از جمله نقد بیرونی و درونی را بررسی می‌کند. اسفندیار سپهوند و همکاران نیز در مقاله‌ای با عنوان «آموزش تفکر انتقادی در کلاس درس (رشته تاریخ)» (2018) در مورد تفکر انتقادی مباحثی را مطرح و نظرات تعدادی از متفکران غربی را نیز در این مباحث مطرح می‌کنند. اما هر کدام از این آثار از دیدگاه خود یا در کنار مطالب دیگر به بررسی نقد تاریخی و نقش آن در تفکر انتقادی تاریخی می‌پردازند. این آثار در بسیاری از موارد تنها به تعریف انواع نقد یا بررسی نقد بیرونی و درونی می‌پردازند و به صورت عملی هیچگونه سندی را مورد بررسی قرار نمی‌دهند. این مقاله در صدد است که با تکیه بر نقد بیرونی و درونی، سندی از دوره پهلوی اول و مربوط به طرح اسکان عشایر و تخته‌قاپوی آنان را برای نشان دادن عملی چگونگی نقد سند و تأثیر آن در تفکر انتقادی دانشجویان مورد بررسی قرار داده و ابعاد مختلف نقد بیرونی و درونی را در تحلیل سند تاریخی نشان دهد.

روش

این پژوهش از نظر ماهیت و هدف، در زمره پژوهش‌های کیفی و بنیادی قرار دارد و با بهره‌گیری از رویکرد توصیفی-تحلیلی انجام شده است. یافته‌های این مقاله می‌تواند در آموزش و تقویت دیدگاه انتقادی دانشجویان رشته تاریخ راهگشا باشد. روش گردآوری داده‌ها، کتابخانه‌ای و اسنادی است که در آن کلیه منابع مرتبط با موضوع شامل کتاب‌های روش تحقیق تاریخی، مقالات، و سندی از سازمان ملی اسناد ایران برای نمونه استفاده شده است.

این مقاله برای یافتن پاسخی به سوال این پژوهش در صدد است که در گام نخست با مرور پیشینه پژوهش، مفاهیم کلیدی و چارچوب‌های نظری مرتبط با نقد سند، مانند نقد بیرونی و

دورنی سند را تدوین نماید. سپس سند مربوطه را به صورتی بی طرفانه توصیف نماید. در گام دوم سند را از طرق نقد بیرونی و درونی و با نگاهی نقادانه به صورتی جز به جز مورد کنگاش قرار می‌گیرد و در گام پایانی سعی می‌شود چگونگی کاربست این مراحل را برای استفاده دانشجویان رشته تاریخ و چگونگی تقویت نگاه انتقادی آنان را نشان دهد.

یافته‌ها

پیشینه نقد تاریخ به دوران یونان و روم باستان می‌رسد و تاریخ نگارانی مانند هرودوت، توسیدید و پلی‌بیوس با دقت و ظرافت خاصی طرح نقادانه در مورد وقایع داشته‌اند. پس از آنها مورخان مسلمان همچون: ابوالفضل بیهقی، ابوریحان بیرونی، ابوعلی مسکویه، رشیدالدین فضل الله، ابن خلدون و دیگران به این امر عنایت ویژه‌ای داشتند. اما اگر آغازگر نقد تاریخی به مفهوم امروزی را ذکر شود کسی جز لورنس والا نویسنده ایتالیایی نیست که در سال ۱۴۴۰ میلادی دروغین بودن سند ادعایی هبه‌نامه کنستانتین را برملا کرد. چیزی که پاپ‌ها با استناد به آن ادعا می‌کردند که کنستانتین رم را به کلیسای کاتولیک هبه کرده و خود به قسطنطنیه رفته است.

از جمله افراد دیگری که در پیشرفت نقد تاریخی سهمیم بودند می‌توانیم از بارتولد گئورگ نیبور و فن رانکه و سایر اندیشندان این دوره را نام برد. خلاصه آنچه نقد تاریخی نامیده می‌شود از قرن شانزدهم میلادی آغاز شد و در قرن ۱۸ و ۱۹ به تکامل رسید و در قرن ۲۰ مکاتب بسیاری عرصه نقد تاریخی را تحت تأثیر قرار دادند (Dehghani, 2011: 148-150). امروزه نقد تاریخی فراگیر شده است و اسناد و اکثر متون تاریخی توسط مورخان در حوزه تاریخ مورد نقد و بررسی قرار می‌گیرند تا صحت و سقم آنها برای استفاده در پژوهش‌ها مورد تأیید قرار گیرد.

منابع تاریخی، به مثابه بازخوانی گذشته و درک اکنون، همواره بر پایه‌ای متقن و قابل اعتماد استوار است. در این میان، اسناد به عنوان میراث مکتوب پیشینیان، نقش بنیادینی در بازسازی و تفسیر رویدادهای تاریخی ایفا می‌کنند. این منابع دست‌اول، اگرچه گنجینه‌ای از اقیقت‌ها و اصالت به شمار می‌روند، اما خود به خود و بدون گذر از صافی تحلیل دقیق، حقیقت تاریخی را نمایندگی نمی‌کنند. از این رو، نقد به عنوان فرآیندی ضروری برای ارزیابی، پالایش و اعتبارسنجی اطلاعات، در کانون پژوهش تاریخی قرار می‌گیرد. نقد علمی سند، مورخ را از حالت یک راوی منفعل خارج کرده و به تحلیلگری فعال تبدیل می‌کند که با تکیه بر تفکر انتقادی، نه تنها صحت و سقم ظاهری سند، بلکه لایه‌های پنهان، انگیزه‌های تولید و زمینه‌های شکل‌گیری آن را می‌کاود. این فرآیند با به کارگیری دو روش مکمل «نقد بیرونی» (بررسی

اصالت فیزیکی و ظاهری سند) و «نقد درونی» (تحلیل محتوا و معنای سند) به مورخ اطمینان می‌بخشد که می‌تواند روایتی استوار و مستند از گذشته ارائه دهد. آنچه در ادامه می‌آید، کاوشی در مبانی نظری این مفاهیم کلیدی — سند، نقد، تفکر انتقادی و روش‌های نقد سند — است که چارچوبی روشمند برای مواجهه علمی با منابع تاریخی فراهم می‌سازد و در نهایت، با هدف کاربردی کردن این مبانی، نمونه‌ای عملی از نقد یک سند دوره پهلوی اول را در معرض بررسی قرار می‌دهد.

سند: سند در لغت به معنی دلیل، رسید، قبض، نوشته، مدرک و نوشته‌ای که قابل بهره‌گیری، ارجاع، استناد و مورد اعتماد باشد، سند نامیده می‌شود (Khanmohammadi, 1993: 89). اسناد همچون منابع دست اول، در بردارنده مجموعه‌های دولتی - خصوصی و صندوق‌های خانوادگی، در بردارنده کلمات، افکار و احساسات مردمان گذشته بنا به جایگاه، دانش و ادبیات آنهاست. این نوع از منابع به رغم اینکه از واقع‌گرایی، اصالت و سندیت برخوردارند؛ اما چون اغلب از سوی نخبگان رسمی دیوانسالاری و کاتبان و میرزا بنویس‌ها تنظیم و تقریر شده‌اند، بازتاب دهنده دیدگاه‌های مردمان فرودست جامعه نیستند (Ahmadzadeh, 2015: 12).

هرگاه اسناد و مدارک مقامات دولتی، اقتصادی و مذهبی یک کشور بایگانی و در آرشیوها نگهداری شده باشد، دیگر مورخ ناگزیر نیست که باستان شناس هم باشد، بلکه می‌توان با موارد و مصالحی استوار و قابل اطمینان به تحقیق بپردازد. به این ترتیب او می‌تواند تاریخ آن کشور را با استفاده از اسناد و مدارک، به شیوه‌ای علمی و نه بر اساس فرضیه‌ها تدوین کند (Samaran, 1992: 3/381). بنابراین تاریخ‌نگاری اسنادی به دنبال نگارش و ترسیم تاریخ بر اساس اسناد و مدارک است. معمولاً اسناد و مدارک همراه با پاره‌ای توضیحات در خصوص واقعه مربوطه تدوین می‌شود. عموماً اسناد تاریخی لایه‌های پنهان حوادث را روشن می‌سازد و می‌بایست در استفاده از اسناد دقت کافی به عمل آید، زیرا ممکن است در تنظیم اولیه، مقاصد و انگیزه‌های آن دچار تحریف شده باشد (Tavakoli, 2008: 42). بنابراین می‌بایست با تفکری نقادانه به بررسی اسناد تاریخی پرداخت.

نقد: واژه نقد در لغت به معنی چیزی را برگزیدن و نظر کردن است تا سره را از ناسره بازشناسند. از قدیم الایام این واژه بر وجه مجاز در مورد شناخت محاسن و معایب کلام به کار رفته است. لفظی که امروز در ادب اروپایی برای همین معنا به کار می‌رود در اصل به معنی رأی زدن و داوری کردن است. داوری کردن و رأی زدن درباره امور و شناخت نیک و بد و سره و ناسره آن‌ها، مستلزم معرفت درست و دقیق آن امور است (Hosseini, 2021: 6). در واقع نقد فرایند کشف حقایق از طریق اصلاح اطلاعات است. اطلاعات در صورت خدشه‌دار شدن،

ممکن است صحت و درستی، اعتبار، کاربرد، تأثیر، ارزش و اثربخشی اطلاعات سبب خسارت و زیان‌های فراوان در زندگی بشر شود. از همین رو تلاش وسیعی در محیط‌های علمی برای سنجش و پیرایش آثار و متون علمی صورت می‌گیرد. در صورتی که اطلاعات از طریق فعالیت‌های ارزشیابی اصلاح نشود بیم آن وجود دارد که به اطلاعات دیگری نیز نفوذ کند و دامنه اطلاعات نادرست یا غیردقیق را گسترش دهد، بنابراین نقد ساز و کاری برای اصلاح اطلاعات و تضمین کیفیت و درستی آن است و با حوزه‌های متعددی در ارتباط است (Doroudi, 2014: 2).

نقد از زمره روش‌های موثر برای سنجش کیفیت متن و مشخص کردن نقاط قوت و ضعف اثر است، با بهره‌گیری از این امکان سودمند می‌توان فقره‌های اطلاعاتی را پالایش کرد. نقد در چارچوب تحلیلی مطرح می‌شود این قالب مدون می‌تواند در ارتباط با زمینه‌های مختلف موضوعی به نقش آگاه‌سازی خود پردازد و راهکاری اثربخش برای سنجش درستی اثر است (Hosseini, 2021: 10). پس در علم منظور از نقد مجموعه اصولی است که برای روشن ساختن ارزش منابع به کار برده می‌شوند.

نقد علمی عبارت است کشف نارسایی‌ها و مسائل مختلف مطرح شده در اظهارات و فهم کاستی‌ها و درک بهتر آن و بازسازی معنا و جنبه‌های واقعی آن (Molaei Tavani, 2007). (142) بنابراین در مسیر نقد اثر، انواع روش‌های انتقادی به منظور تحلیل متون مورد استفاده قرار می‌گیرد و هر یک از ناقدان بر مبنای توانایی و دانش خویش از روشی متناسب با نوع متن و حوزه مطالعاتی آن، بهره می‌برند. انواع نقد بر اساس نوع استفاده، روش‌های به کارگیری، جایگاه متن، حوزه مورد مطالعه، کاربرد و هدف ناقد متفاوت هستند. این طبقه‌بندی‌ها بر مبنای کاربردهای گوناگون شکل گرفته‌اند و هر یک حاوی شیوه‌ای برای نگارش تحلیلی درباره اثری خاص هستند (Doroudi, 2014: 2).

تفکر انتقادی: فرآیندی است که به ما این امکان را می‌دهد که بتوانیم یک چارچوب تحلیلی را بدون پیش‌داوری، تردید نامناسب و عجله در قضاوت، ایجاد کنیم. بنابراین در تفکر انتقادی مورخ از طریق نقد اثر به برآورد کردن، طبقه‌بندی کردن، درک اصول، قضاوت کردن بر اساس معیار مشخص و حل مسئله پرداخته می‌پردازد. تفکر انتقادی به معنای درست اندیشیدن و تلاش برای آگاهی یافتن درباره جهان است و شامل فرایندهای ذهنی، تشخیص تحلیل و ارزیابی داده‌ها می‌باشد. به بیان دیگر تفکر انتقادی، هنر اندیشیدن پیرامون اندیشیدن است تا اندیشه‌ها را بهتر روشن‌تر و دقیق‌تر یا قابل دفاع‌تر نماید. بنابراین بسیاری از اندیشمندان در این زمینه تعریف‌های متفاوتی از تفکر انتقادی ارائه نموده‌اند (Sepahvand et al., 2018: 112-113).

برای آموزش تفکر انتقادی اساتید و معلمان باید فرایندهای شناختی و طریقه تفکر انتقادی را بنیان نهاده، درک کنند و با وظایف، مهارت‌ها و موقعیت‌هایی که این فرایندها به کار گرفته می‌شوند آشنا باشند و فعالیت‌های متنوع کلاس درس را که این فرایندها را بارور می‌سازند به کار گیرند. معلمان یا اساتید باید چارچوب مقتضی از جمله عادت دادن دانشجویان و دانش‌آموزان به خوب تأمل کردن، اندیشیدن، خوب گوش دادن و دیگر مهارت‌ها لازم را به شاگردان خود آموزش دهند. آموزش تفکر انتقادی از جمله مهارت‌های خطیری است که می‌بایست در آموزش آن سعی بلیغی داشته باشند تا این نوع آموزش را گسترش دهند (Sepahvand et al., 2018: 115). بنابراین مورخ برای استفاده از سند نیاز به نقد علمی و انتقادی آن دارد تا این منابع برای رسیدن به حقایق علمی قابل استفاده باشند.

نقد سند: امروز سند بیش از هر زمان دیگری مورد توجه قرار گرفته است و اساس کار پژوهش است و برای مورخ، سند نیز اساس قضاوت درباره گذشته است. مورخ برای استفاده از این منابع باید به اصالت و اعتبار اسناد توجه داشته باشد و بداند که اسناد جعلی نیز وجود دارند. تشخیص صحت و سقم از طریق بررسی‌های مادی و فیزیکی اسناد و هم از طریق بررسی‌های محتوایی، کار پژوهشگران نسخ خطی و تاریخی است. بنابراین مهم‌ترین وظیفه مورخ بررسی، نقد و ارزیابی این اطلاعات است تا از این طریق اعتبار اسناد نزد او تأیید شود و با اطمینان خاطر بتواند به آن اتکا نماید. به این اقدام نقد سند گفته می‌شود (Savaqeb, 2006: 234, 237). به بیان دیگر، تاریخ نگاران نمی‌توانند روش مشاهده مستقیم را درباره رخدادهای بسیار قدیمی به کار ببرند یا رخدادهای را به نحو دلخواه تکرار کنند، بنابراین باید به داده‌ها و گزارش‌های شاهدان پیشین اکتفا کنند و با نقد علمی داده‌های درست را از نادرست تشخیص دهند. در تحقیق تاریخی داده‌های صحیح و قابل استناد را شواهد تاریخی می‌نامند. شواهد تاریخی را بر اساس نقد درونی و بیرونی می‌توان از داده‌های تاریخی تمیز داد. با همین روش‌ها میزان کارآمدی یک سند اندازه‌گیری می‌شود (Molaei Tavani, 2007: 141).

نقد بیرونی: نقد بیرونی به جایگاه سند در متن مورد مطالعه نظر دارد تا درجه درستی و اعتبار آن را با دقت نشان دهد و با روش‌های کمی که خود سند را بررسی می‌کند متفاوت است. نقد بیرونی، مستند بودن و اصالت داده‌ها را تعیین می‌کند و به این سوال پاسخ می‌گوید که آیا آثار و اسناد موجود حقیقی‌اند یا جعلی، ساختگی و فریب‌آمیز هستند. از این رو برای پی بردن به اصالت شکلی سند باید به انجام آزمایش‌ها و بررسی‌های پیچیده‌ای مبادرت ورزید (Molaei Tavani, 2007: 143). مورخ در این مرحله باید امضا و مهر، تاریخ، نوع خط، نوع جوهر به کار رفته، نوع کاغذ پوست یا چرم یا چوب و غیره، نوع کلمات، سبک نگارش و مانند آن را مورد بررسی و ارزیابی قرار دهد و آن را با سایر اطلاعات مربوطه به شخص واقعه یا

تکنولوژی دوره مربوط به سند مقایسه نماید و از صحت تعلق آن به موضوع مورد مطالعه اطمینان حاصل نماید (Savaqeb, 2006: 237-238).

نقد درونی: پس از اطمینان از صحت ارتباط سند با موضوع مورد مطالعه، ارزیابی محتوای مطالب مطرح می‌شود که نقد درونی می‌گویند و سوالاتی مطرح می‌شود از قبیل: آیا اطلاعات صحیح است و تصویر درستی از موضوع یا واقعه را ارائه می‌دهد؟ آیا مطالب آن با موازین عقلی تطبیق می‌کند؟ آیا مطالب آن با سایر اطلاعات تأیید شده از منابع دیگر همخوانی و تناسب دارد؟ آیا در بیان واقعیت غلو نشده است؟ آیا سند تحت فشار و احساس ترس و یا به خاطر خود شیرینی نوشته نشده است؟ یا سند واقعیت را وارونه جلوه نمی‌دهد؟ به طور کلی نقد بیرونی و درونی اسناد از امور پرزحمت و وقت‌گیر است، ولی چاره‌ای جز این نیست، زیرا نتایج تحقیق بر پایه این اسناد شکل می‌گیرد و اگر روایی آنها مورد تأیید واقع نشود، تحقیق اعتبار نخواهد داشت (Savaqeb, 2006: 237-238). هدف از نقد درونی یا باطنی دستیابی به حقایق و اطلاعات تاریخی در متن اسناد و منابع است. نقد درونی به طور کلی به دو صورت سلبی و ایجابی صورت می‌گیرد. در قسمت ایجابی منبع تاریخی برای تفسیر و درک معنای آن مورد تحلیل قرار می‌گیرد که خود آن دارای دو مرحله است: نخست، تفسیر ظاهر متن و درک معنای لفظی آن و دوم فهم معنای حقیقی متن و شناخت غرض مولف از آنچه نوشته است (Molaei Tavani, 2007: 144). با توضیح این مفاهیم، برای درک بهتر این امر سندی مربوط به دوره پهلوی اول به صورت نقد بیرونی و درونی مورد بررسی و تبیین قرار می‌گیرد.

نقد سندی از تخته‌قاپوی عشایر لرستان

دوره رضاشاه، دوره گذار از شیوه اداره سنتی کشور به شکل نوین و اروپایی آن بود. برای رسیدن به این هدف، ایلات و عشایر مهم‌ترین معارض وی بودند. او تحت عنوان امر تخته‌قاپوی ایلات و عشایر دست به سرکوبی و اسکان آنان زد. لرستان نیز با توجه به اهمیتی که در اجرای این طرح داشت، توسط ارتش پهلوی اول فتح گردید و تخته‌قاپوی ایلات و عشایر در این منطقه از سال ۱۳۰۲ تا سال ۱۳۱۲ ش. به طول انجامید (Nemati & Fooladi, 2022: 105-107). در دوران تخته‌قاپوی ایلات و عشایر و مقابله عشایر با نیروهای دولتی، انتصاب حاکمان نظامی بر مناطق آرامش را سریعتر به ارمغان می‌آورد، اما عدم کنترل نظامیان به اتفاقات تلخی از جمله برخوردهای خشن با اهالی لرستان منجر می‌شد. ادارات مختلف منطقه لرستان تا سال ۱۳۱۴ تحت نظر مأموران نظامی بود (Nemati, 2018: 132).

در مدت ۱۰ سال جنگ و درگیری بین عشایر و نیروهای دولتی اسناد زیادی بر جای مانده است که با مطالعه آنها می‌توان به حقایق درخور و کمیابی دست یافت. استفاده از اسناد فراوان

بر جای مانده مستلزم تخصص و دیدگاهی انتقادی است تا بتوان گذشته را با ابزار علمی و تحلیلی مورد واکاوی قرار داد. از جمله اسناد بر جای مانده می‌توان به سندی مربوط به سال ۱۳۰۶ش. اشاره نمود که از جهات مختلف برای مطالعه حوادث این دوره دارای اهمیت است که در ادامه با تکیه بر نقد درونی و بیرونی بررسی و تبیین می‌شود.

الف) شناخت و توصیف سند: این سند گزارشی از نوع اداری- نظامی است که در تاریخ ۲۲ مهرماه ۱۳۰۶ش. در ۱۳ صفحه توسط کفیل حکومت بروجرد و لرستان و از طرف اداره احصائیه (آمار و ثبت احوال) خطاب به وزارت داخله [کشور] به صورت دستنویس نوشته شده است. این سند امروز در آرشیو ملی اسناد در شهر تهران نگهداری می‌شود. در این سند ابتدا حدود جغرافیایی لرستان را به صورت مختصر توضیح می‌دهد و سپس به دسته‌بندی ایلات ساکن در لرستان و پشتکوه می‌پردازد و تیره‌ها و خوانین هر ایل را به صورت مجزا ذکر می‌کند. این سند همچنین به زندگی اجتماعی عشایر شامل کوچ آنها به بیلاق و قشلاق است اشاره می‌کند. همچنین تعداد سلاح‌های مردم در دوره رضاشاه را پیش از عملیات تخته‌قاپوی عشایر و پس از آن ذکر می‌کند. به وضعیت اقتصادی و مذهب اهالی لرستان نیز اشاره کوتاهی دارد و روابط سیاسی بین ایلات را نیز گزارش می‌کند. در پایان نیز راهکارهایی برای به سرانجام رساندن تخته‌قاپوی اهالی لرستان ارائه می‌دهد (SAKMA, Record No. 293001712).

ب) نقد بیرونی سند: در این مرحله پژوهشگر می‌بایست به دنبال اثبات اصالت و بررسی فیزیکی سند باشد. این امر بر مبنای روابط بیرونی آن و تأثیراتی که از عوامل خارجی می‌پذیرد، سنجیده و ارزیابی می‌شود. بنابراین می‌بایست با علمی چون نسخه‌شناسی، مَهرشناسی، خط‌شناسی و سایر علوم کمکی آشنا بود (Dehghani, 2011: 151). تا از لحاظ جعلی بودن یا اصیل بودن سند اطمینان حاصل کنیم. این امر از طریق توجه به سبک نوشتار، امضا، مهر، کاغذ، جوهر سند و تطبیق آن با دوره تاریخی مورد نظر انجام می‌شود. با بررسی اسناد مختلف این دوره در آرشیوها و اسناد چاپ شده در کتاب‌هایی که در مورد لرستان در این دوره تاریخی به طبع رسیده است، می‌توان تا حدود زیادی با اسناد این دوره آشنا شد و در تشخیص اصالت سند از لحاظ موارد گفته شده به ما کمک نماید (see Sotoudeh, 2009; Eghbali, 2012) و بعد از آن به نوشتار نسخه از لحاظ چاپی و دستنویس بودن آن توجه شود و بفهمیم که آیا این سند اصلی است یا رونوشت. با بررسی‌های به عمل آمده در آرشیوها و کتاب‌های چاپ شده سند پیوست در این مقاله از نوع دستنویس و اصلی است.

در گام دوم صحت سند از لحاظ تحریف‌زدایی و تاریخ‌گذاری آن بررسی می‌شود. با مطالعه سند پیوستی به نظر می‌رسد کامل است و هیچ بخشی از آن حذف و یا دستکاری نشده است،

زیرا تقریباً با توجه به مطالب متن و عدم خط خوردگی، تحریفی در آن ایجاد نشده است. در مرحله بعد تاریخ‌گذاری سند بررسی می‌شود. با توجه به اینکه تاریخ این سند مربوط به سال ۱۳۰۶ ش. است با بررسی آثاری که حوادث این دوره را پوشش داده‌اند می‌توان به همخوانی آن با رویدادهای این دوره پی برد. مثلاً با مطالعه کتاب لرستان در عصر رضاشاه (see Nemati, 2018) و تاریخ لرستان روزگار قاجار (see Valizadeh Mojezi, 2003) مطالب و محتویات این سند را با مطالب این آثار مقایسه نمود و تاریخ‌گذاری آن را از لحاظ صحت و درستی آزمود. با توجه به مطالب این سند و آثار این عصر، محتویات آن از لحاظ تاریخی دقیق است.

در مرحله سوم و پایانی، سند از لحاظ بافت و زمینه تاریخی بررسی می‌شود. اینکه راوی کمترین فاصله زمانی و مکانی را با موضوع روایت داشته باشد و یا به عکس در قضاوت ما نسبت به میزان اشراف راوی به روایت و صحت و سقم آن موثر است. اینکه راوی شاهد عینی رویداد بوده است و یا بعدها با واسطه دیگران روایت را نقل می‌کند موضوعی است که در مواجهه با روایت بسیار حائز اهمیت است. معمولاً مورخان که با فاصله بیشتری نسبت به رویداد آن را گزارش کرده‌اند، رویکرد احساسی و عاطفی به رویداد را کنار نهاده و سعی نمودند با نگاهی عقلانی گزارش منطقی از رویداد ارائه دهند و همچنین می‌بایست انتساب سند را به شخص یا اداره خاصی را روشن نمود (Hosseini, 2021: 21-22).

در بررسی‌ها در پی فهمیدن این مطلب هستیم که سند مورد نظر دقیقاً در چه مقطع زمانی از طرح تخته‌قاپوی ایلات و عشایر به رشته تحریر درآمده است. آیا این سند پیش از این امر تولید شده است یا در حین این طرح و یا پایان آن؟ سپس به دنبال نهاد صادر کننده این سند بود که آیا از طرف وزارت کشور صادر شده و یا وزارت جنگ یا نهادهای دیگر. می‌بایست دیدگاه و اهداف این نهاد روشن شود و عملکرد آنها را در برابر عشایر مورد سنجش قرار گیرد که آیا بر علیه عشایر بودند یا همراه آنان بودند. با توجه به اینکه تخته‌قاپوی عشایر لرستان در محدوده زمانی سال‌های ۱۳۰۲ تا ۱۳۱۲ ش. به طول انجامیده است (Salah & Nemati, 2016: 145)، بنابراین سند مورد نظر در حین عملیات تخته‌قاپوی عشایر تولید شده است. با بررسی مهر و امضا سند و مراجعه به منابع این دوره می‌توان دریافت که ارتش در لرستان تا پایان طرح تخته‌قاپو وظیفه اداره لرستان را برعهده گرفته بود (Nemati, 2018: 235) بنابراین اکثر ادارات لرستان تحت تأثیر نظامان بود و اسناد در این دوره زمانی توسط آنان به عنوان مجریان طرح صادر شده است.

از آنجا که پیش‌زمینه اجرای اهداف رضاشاه در نوسازی کشور، سرکوب و تخته‌قاپوی عشایر بود، وی ارتش را مأمور اجرای این طرح نمود (Nemati & Fooladi, 2022: 107).

بنابراین با توجه به اهداف حکومت مرکزی، اقدامات ارتش خلاف میل ایلات و عشایر و بر ضد ساختار ایلیاتی آن روز بوده است. هدف از نقد بیرونی این سند، بررسی سند از لحاظ اصالت و صحت آن است تا اطمینان حاصل شود که پژوهشگر با یک سند اصیل و قابل اعتماد سروکار دارد تا بتواند در قدم بعد به اعتبار محتوای آن بپردازد و در راستای اعتبار سنجی اسناد و استفاده از آن در پژوهش‌های تاریخی قدمی مهم بردارد.

ج) نقد درونی سند: در نقد درونی سند پژوهشگر به دنبال این است که معنای سند را درک کند و بفهمد که چقدر می‌تواند به گفته‌های سند اعتماد کند. در این مرحله تمرکز پژوهشگر بر محتوای سند است و به دنبال کشف انگیزه و اهداف گفته شده توسط صادر کننده سند است تا از این طریق به صحت و سقم گفتار وی پی ببرد. البته این امر مستلزم چندین گام عملی است تا در این راه توفیق یابد. در گام نخست برای نقد درونی سند، پژوهشگر تاریخ می‌بایست به تحلیل محتوا و درک معنای ظاهری واژگان به کار برده شده در سند توجه کند، زیرا واژگان متن ممکن است در طول زمان معانی مختلفی داشته و مدلول زمانه باشند. بنابراین زبان سهم بارزی در ادراک و شناخت تاریخ ایفا می‌کند (Dehghani, 2011: 156).

با توجه به مطالب گفته شده در راستای نقد درونی، انگیزه نویسنده سند پیوست این مقاله را می‌بایست در راستای طرح تمدن‌سازی یا دولت و ملت‌سازی جدید حکومت جستجو کرد که ایلات را مانع اصلی این هدف می‌دانستند. برای رسیدن به این هدف، تخته‌قاپوی ایلات و عشایر، تمرکزگرایی در کشور و ایجاد فرهنگ‌سازی جدید و یکدست، تنها با حذف خرده فرهنگ‌های محلی و ایلی ایجاد می‌شد (Nemati, 2018: 57) و صادرکننده سند به عنوان مجری طرح در پی دستیابی به این هدف بوده است. در گام بعد مورخ لازم است معنای دقیق این واژگان را در دوره زمانی صدور سند درک کند تا در تحلیل سند به انحراف کشیده نشود تا از این طریق پیام اصلی و گزاره‌های متن سند را به خوبی دریافت نماید.

با بررسی سند پیوست این مقاله با واژگانی چون طوایف، خوانین، کوچ‌نشینی و تخته‌قاپو روبرو می‌شویم. با واژگان طوایف، خوانین و کوچ‌نشینی در آن دوره نیز معنای امروزی خود را داشتند. اما واژه‌ای چون تخته‌قاپو که هدف اصلی دولت و این سند است تقریباً به معنای «چادرنشینی را در مسکن جای دادن و او را از بادیه‌گردی و جای بجای شدن و به حضارت کشیدن» (Dehkhoda, 1956: 462) و یا «اسکان عشایر، سکنی دادن عشایر و طوایف صحرائشین در شهر یا ده» (Amid, 2005: 655) بوده است که امروزه نیز به همین معنا می‌باشد. با بررسی سند و با توجه به اهداف دولت در آن مقطع زمانی گزاره اصلی این سند شناسایی ایلات، طوایف و خوانین آنها به منظور تخته‌قاپو کردن آنان است که در صفحه ۱۳ این

سند طریقه خاتمه دادن به کوچ‌نشینی و تخته‌قاپو کردن آنان را منوط به جمع‌آوری کردن اسلحه آنها و تأمین مادی آنان و مساعدت در زندگانی ایلات می‌داند.

در مرحله دوم نقد درونی پژوهشگر می‌بایست سند را به لحاظ تحلیل محتوا و درک معنای عمقی آن مورد واکاوی قرار دهد. برای بررسی کیفیت مشاهده مورخ و کمیت حوادث تاریخی باید به شناخت حقایق و دور ساختن امور غیرواقعی پرداخت که این وجه سلبی را شکل می‌دهد. زیرا آنچه در منابع انعکاس می‌یابد همواره با کذب یا ارتکاب خطا و نادیده انگاشتن برخی جنبه‌ها همراه است. بنابراین پژوهشگر باید به ادله‌ای دست یابد که با آن بتواند صحت و اصالت داده‌های خود را اثبات کند (Molaei Tavani, 2007: 146).

پژوهشگر با خواندن سطرهای سند باید متوجه شود که نویسنده سند چه چیزهایی را نگفته است و چه چیزهایی را برجسته نموده و یا به اشتباه نوشته است. نویسنده سند حجم عمده سند را به معرفی ایلات و خوانین برجسته لرستان و پشتکوه اختصاص داده است، اما به دلیل عدم آشنایی به ساختار اجتماعی و مردم منطقه در تقسیم‌بندی ایلات ذکر شده دچار اشتباه شده است، مثلاً در دسته‌بندی تیره‌های بیرانوند دچار اشتباه شده است و تعدادی از طوایف را بدون دسته‌بندی ذکر می‌کند که نشان از ناآشنایی نویسنده سند بوده است. در اصل طایفه بیرانوند به دودسته آلاینان و دشتینان تقسیم شده و سپس آن دوه هم هر کدام به چند تیره تقسیم می‌شوند (Valizadeh Mojezi, 2017: 16). بنابراین پژوهشگر تاریخ می‌بایست با توجه اعتبارسنجی منابع و استفاده از منابعی که به شجره ایلات لر آشنا هستند، از این اشتباهات در پژوهش‌های خود استفاده ننماید و یا در صورت استفاده، آنها را اصلاح کند. بعد از معرفی ایلات به صورت مختصر در مورد اقتصاد و مذهب آنان مطالبی می‌گوید، اما بعد به چگونگی دستیابی ایلات منطقه به اسلحه و شرایط تخته‌قاپوی ایلات می‌پردازد که هدف اصلی صادرکننده سند است.

در مرحله‌ای دیگر، صلاحیت نویسنده، بی‌طرفی وی و محتوای تولید شده‌اش مورد بررسی قرار می‌گیرد تا بتوان ارزش سند را برای گواهی دادن واقعه تاریخی مورد سنجش قرار داد. در این مرحله شناخت غرض مولف از آنچه نوشته است در نظر قرار می‌گیرد. به بیان دیگر می‌بایست توجه داشت که هر خبر یا روایتی مسبوق به پیش زمینه ذهنی است و هر منبعی می‌تواند وجهی از واقعیت را منعکس کند نه همه آن را (Molaei Tavani, 2007: 144). برای اثبات این امر سوالاتی در ذهن قرار می‌گیرد. از جمله اینکه آیا نویسنده در موقعیت و مکانی بوده که بتواند رویدادها را به درستی مشاهده و گزارش کند؟ آیا نویسنده ذینفع است؟ آیا انگیزه شخصی، حزبی یا سازمانی برای تحریف واقعیت دارد؟ آیا ادعاهای مطرح شده در سند با شواهد دیگر (اسناد متقابل، خاطرات، تاریخ شفاهی عشایر، گزارش‌های خارجی) همخوانی

دارد یا در تناقض است؟ با توجه به اینکه نویسنده سند از مجریان طرح بوده است، با وضعیت روز منطقه آشنا بوده و از لحاظ زمانی و مکانی در موقعیت قرار داشته است، صلاحیت لازم برای نوشتن سند را دارا بوده است، اما چون در مقابل عشایر قرار داشته و از لحاظ اجتماعی آشنایی زیادی از ایلات منطقه نداشته است. بنابراین از جزییات مربوط به ایلات بی‌خبر بوده است و دچار اشتباهاتی در متن سند شده است. نویسنده سند چون به دنبال اهدافی چون تخته‌قاپوی عشایر بوده است ممکن است در تحریف واقعیات نقش داشته باشد و برای اعتبارسنجی می‌بایست با منابع این عصر تطبیق داده شود تا همخوانی آن مشخص شود.

با به کارگیری ساختار منظم نقد در پژوهش‌های تاریخی و به کارگیری سند، از جمله برای تحلیل اسناد حساسی مانند طرح تخته‌قاپوی عشایر لرستان در دوره پهلوی اول، دانشجویان نه تنها با یک واقعه تاریخی مهم آشنا می‌شوند، بلکه با سند به عنوان یکی از منابع دست اول و مهم برای تحقیقات تاریخی آشنا شده و به جای حفظ کردن یک روایت و یا قبول محتویات آن، با ارزیابی دقیق، به مورخانی منتقد تبدیل می‌شوند که قادرند اسناد تاریخی و گذشته کشور خود را با ابزار علمی و تحلیلی واکاوی کنند.

د) تلفیق نقد سند و تربیت مورخ منتقد: چالش‌ها و راهکارها: با آموزش و آشنا ساختن دانشجویان با سند و چگونگی استفاده از آن به صورت انتقادی (با استفاده از نقد بیرونی و درونی) می‌توان مستقیماً مهارت‌های تفکر انتقادی را به آنها آموخت. دانشجویان با پرورش‌های ذهنی و انتقادی خود می‌توانند یک سند را به خوبی نقد کنند، یعنی از پذیرش سند به عنوان حقایق تاریخی پرهیز کرده تا صحت و سقم آن با روش‌های نقادانه مشخص گردد. دانشجویان با این مهارت می‌توانند تجارب ارزشمندی به دست بیاورند. از جمله:

۱. دانشجو می‌آموزد که یک سند از اجزای مختلفی تشکیل شده است و می‌بایست هر قسمت را با دقت مورد تجزیه و تحلیل قرار دهد.

۲. اطلاعات دانشجویان معنا و متن ظاهری فراتر رفته و درک می‌کند که در برای ایجاد یک پژوهش ارزشمند می‌بایست معنای پنهان، اهداف و انگیزه‌های سند را استخراج کند.
۳. در پی انجام مراحل مختلف نقد، دانشجو می‌آموزد که به جای پذیرش کورکورانه و بدون نقد صحیح، شواهد را از نظر اعتبار، صحت و ارتباط مورد ارزیابی قرار دهد تا بتواند قضاوت درخوری انجام دهد.

۴. دانشجو بر اساس اطلاعات موجود در اسناد می‌تواند با تلفیق آن با سایر منابع و داده‌ها، استدلال استنتاجی انجام داده و به نتایج منطقی دست یابد.

۵. دانشجو از ضعف‌های اولیه خود از جمله پیش‌فرض‌ها و سوگیری‌های آگاه می‌شود و می‌فهمد که مورخ نیز ممکن است تحت تأثیر قضاوت‌های عجولانه خود قرار گیرد.

۶. انجام مراحل مختلف نقد، ذهن دانشجو را به ذهنیتی پرسشگر تبدیل می‌کند و این امر را در تفکرات وی نهادینه می‌کند و او را قادر می‌سازد همواره با تفکر انتقادی به شواهد تاریخی بپردازد.

آموزش و ترویج استفاده مؤثر از اسناد به دانشجویان با چالش‌های متعددی روبرو است. از یک سو، بسیاری از دانشجویان اهمیت اسناد در پژوهش‌های تاریخی را به درستی درک نکرده و آن را صرفاً یک امر تزئینی و ظاهری می‌دانند، نه یک منبع دست اول برای رسیدن به داده‌ها و حقایق تاریخی، حل مسئله و یادگیری عمیق. این نگرش غالباً ناشی از نداشتن عادت به مطالعه نظام‌مند، ضعف در مهارت‌های درک و خواندن متون فنی و ترس از مواجهه با حجم عظیم اطلاعات و پیچیدگی‌های خاص اسناد است. از سوی دیگر، سیستم‌های آموزشی نیز اغلب زمان کافی برای آموزش این مهارت اساسی اختصاص نمی‌دهند و با تأکید بیش از حد بر محفوظات و استفاده از کارهای کتابخانه‌ای و پژوهش‌های در دسترس، فرصت کشف و یادگیری از طریق اسناد را از دانشجو سلب می‌کنند.

برای غلبه بر این موانع، نیازمند یک تغییر نگرش و اجرای راهکارهای عملی هستیم. اساتید می‌توانند با تشویق دانشجویان به استفاده از اسناد در تکالیف درسی که مستلزم جست‌وجو در اسناد معتبر است، ارزش واقعی این منابع را به دانشجویان نشان دهند. طریقه خواندن، تکنیک‌های سندخوانی و چگونگی استفاده از اسناد را به دانشجویان یاد دهند. در نهایت، فضایی ایجاد کنند که دانشجو به استفاده از اسناد ترغیب شود، مثل دادن پاداش‌هایی درسی مانند در نظر گرفتن نمره برای این امر و دیگر موارد تشویقی. با اجرای این امر و با فرهنگ‌سازی لازم، دانشجویانی مستقل و با مهارت تفکر انتقادی پرورش داده خواهد شد که اسناد را نه به عنوان یک بار غیرضروری، بلکه به عنوان یک منبع واقعی در مسیر یادگیری حرفه‌ای خود می‌بینند.

بحث و نتیجه‌گیری

اعتبارسنجی اسناد تاریخی از طریق نقد بیرونی و درونی، یک فرآیند دانشگاهی صرف نیست، بلکه سنگ بنای پرورش تفکر انتقادی در دانشجویان رشته تاریخ است. تحلیل نمونه سند مربوط به تخته‌قاپوی عشایر لرستان به وضوح نشان داد که چگونه یک سند رسمی، با وجود اصالت فیزیکی، می‌تواند حاوی اشتباهات طبقه‌بندی (ناشی از ناآشنایی نویسنده)، سوگیری‌های نهادی (در راستای اهداف دولت مرکزی) و کاستی‌های اطلاعاتی باشد. مواجهه فعال و روش‌مند دانشجویان با چنین اسنادی، آنان را به سطحی فراتر از حفظ روایت‌ها ارتقا می‌دهد و به آنان می‌آموزد که چگونه اجزای سند را تجزیه کنند، معنای پنهان و انگیزه‌های پشت متن را کشف

نمایند، شواهد را ارزیابی کنند، با تلفیق منابع مختلف به استدلال‌های استنتاجی دست یابند، از پیش‌فرض‌ها و سوگیری‌های خود آگاه شوند و در نهایت، ذهنی پرسشگر و نقاد را در خود نهادینه سازند. بنابراین، گنجاندن آموزش عملی و کاربردی نقد سند در سرفصل‌های درسی تاریخ یک ضرورت انکارناپذیر است. چنین آموزشی، دانشجویان را از مصرف‌کنندگان منفعل تاریخ به مورخانی فعال تبدیل می‌کند که قادرند با ابزار علمی و تحلیلی، اسناد و گذشته را واکاوی کرده و به تولید پژوهش‌های معتبر و متعادل یاری رسانند. این امر نه تنها کیفیت علم تاریخ را ارتقا می‌بخشد، بلکه شهروندانی باورمند به عقلانیت و تحلیلگری را برای جامعه فردا تربیت می‌کند.

مشارکت نویسندگان

نویسنده مسئول ۴۰ درصد، سایر نویسندگان هر کدام ۳۰ درصد.

تشکر و قدردانی

تعارض منافع

«هیچ‌گونه تعارض منافع توسط نویسندگان بیان نشده است»



COPYRIGHTS

©2021 The author(s). This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution (CC BY 4.0), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, as long as the original authors and source are cited. No permission is required from the authors or the publishers.

References

- Archive of the National Library and Archives of Iran (SAKMA), document retrieval number: 293001712. [in Persian].
- Eghbali, Reza (2012). Security and Order in Lorestan, from Safavid to Pahlavi, Qom: A'emmah Publications. [in Persian].
- Ahmadzadeh, Mohammad Amir (2015). "The Importance of Applying Patterns and Methods of Document Analysis in Historical Research", *Historiography and History Writing*, Year 25, New Series, No. 15, Consecutive 100, Spring and Summer, pp. 33-5. [in Persian].
- Khan Mohammadi, Ali Akbar (1993). "Method of Working with Manuscript Documents", *Treasure of Documents*, Year 3, First Issue, Spring, pp. 97-86. [in Persian].
- Tavakoli, Ya'qub (2008). *Stylistics of Contemporary Iranian Historiography*, Qom: Institute of Islamic Thought and Culture. [in Persian].
- Sawaqib, Jahanbakhsh (2006). *Research Methodology with Emphasis on History*, Shiraz: Navid Publications. [in Persian].
- Doroudi, Fariborz (2014). "An Introduction to Types of Criticism and Their Functions", *Quarterly of Book Critique of Information and Communication*, Year 1, Nos. 3 and 4. [in Persian].
- Dehkhoda, Ali Akbar (1956). *Dictionary*, Tehran: Majlis Printing House. [in Persian]
- Dehghani, Reza (2011). "The Essence of Historical Criticism", *Research*, Year 3, No. 1, pp. 174-145. [in Persian.]
- Samaran, Charles (1992). *Methods of Research in History*, translators: Abolghasem Bigonah; Gholamreza Zat Alian; Aghdas Yaghmai, Volume 3, Mashhad: Cultural Deputy of Astan Quds Razavi. [in Persian].
- Sotoudeh, Yadollah (2009). *The Lorestan Uprising*, Khorramabad: Shapourkhvast. [in Persian]
- Sepahvand, Esfandiar, Saeid Romāni, Shojā Arabān, Fazlollah Foolādi (2018). "Teaching Critical Thinking in the Classroom (History Field)", *Proceedings of the Conference on Pedagogical Content Knowledge of History Teaching, 2017 Lorestan*, compiled by Fazlollah Foolādi, Tabriz: Āsem Publications. [in Persian]
- Salah, Mehdi; Mohammad Ali Nemati (2016). "Consequences of the Nomad Settlement Plan on the Social, Economic and Cultural Life of Lorestan (1923 to 1933 AD)", *Journal of Historical Research of Iran and Islam*, No. 19, pp. 170-145. [in Persian]
- Hosseini, Fatemeh (2021). "The Essence of Critical Review in Historical Studies and Its Dimensions", *Quarterly of Research Culture*, No. 45, Special Issue on Islamic History, pp. 27-6. [in Persian]
- Amid, Hassan (2005). *Moein Dictionary*, Tehran: Amirkabir. [in Persian]
- Molaei Tavani, Alireza (2007). *An Introduction to Research Method in*

- History, Tehran: Ney. [in Persian]
- Nemati, Mohammad Ali, Fazlollah Fooladi (2022). "Administrative Developments of Lorestan during Reza Shah Period", Quarterly of Iranian Local Histories, Year 11, No. 1, pp. 116-103. [in Persian]
- Nemati, Mohammad Ali (2018). Lorestan in the Era of Reza Shah, Khorramabad: Ordibehesht-e Janān. [in Persian]
- Valizadeh Mojezi, Mohammad Reza (2003). History of Lorestan in the Pahlavi Era, Tehran: Horoufiyeh Publications. [in Persian]
- Valizadeh Mojezi, Mohammad Reza (2017). History of Tribes and Clans of Lorestan, Khorramabad: Ordibehesht-e Janān. [in Persian]